

کشف قواعد مدیریتی از کلام علوی

جواد لطفی* / حسن نقی‌زاده** / فریبرز رحیم‌نیا***

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۱

چکیده

رهنمودهای علوی در عرصه مدیریت می‌تواند راهگشای مدیران دیروز، امروز و فردا باشد. البته این رهنمودها گاه در قالب یک سلسله قضایا یا قواعد کلی ارائه شده است که با توجه به آن، این پرسش مطرح است که روش‌شناسی یا شیوه کشف این قواعد چگونه است و با اصول موجود در مدیریت چگونه پیوند می‌خورد؟ بدین منظور باید به سراغ دلالت‌های روشن متن رفت که مبتنی بر اصول لفظی و اصول عقلایی است و از دانش مدیریت فقط برای تأیید بیشتر و ایضاح فزون‌تر قاعده یاری جست. با این روش، می‌توان به عبارتهایی دست یافت که به‌عنوان قاعده مدیریتی نمایان می‌شوند. البته باید در این راستا مراقب آسیب‌های روش‌شناسی از قبیل التقاط، استقرای ناقص، برخورد گزینشی از کلام امام و مشکلات پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بود. قاعده‌ای که در این مقاله ارائه شده است، قاعده پرهیز از پراکنده‌کاری در عرصه مدیریت است که از جمله «مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ خَدَلْتَهُ الْحَيْلُ» برگرفته شده است.

واژگان کلیدی

قاعده‌های مدیریتی، نهج البلاغه و مدیریت، امام علی و قواعد مدیریتی.

aboohafedaha@gmail.com

naghizade@ferdowsi.um.ac.ir

r-nia@ferdowsi.um.ac.ir

*. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

** استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

*** استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

طرح مسئله

رهنمودهای امام علی علیه السلام به‌ویژه در نهج‌البلاغه دریای بیکرانی است که ذخایر آن تأمین‌کننده نیازهای زندگی بشرِ دیروز و امروز و فردا است. قرن‌ها است که اندیشمندان و پژوهشگران به تناسب هر عصر و زمان، به واکاوی و شرح کلمات این گنجینه پرداخته‌اند، اما شاید بتوان گفت هنوز با کشف ژرفای کلام امام فاصله درخور توجهی وجود دارد. در این میان، توصیه‌های مدیریتی امیرمؤمنان علیه السلام حائز اهمیت است و از آن‌رو که ایشان منصب حکومت را عهده‌دار بود، رهنمودهایش در خصوص مسائل حکومتی و مدیریتی می‌تواند راهگشایی ارزشمند برای حل مسائل این عرصه باشد. البته پرسش مهم در این زمینه آن است که به‌راستی معارف موجود در این زمینه فقط توصیه‌های اخلاقی مدیریتی است یا فراتر از آن؛ به‌عبارتی چگونه می‌توان از عبارتهای نهج‌البلاغه متونی را استخراج کرد که به‌مثابه یک قاعده در مدیریت باشد. بر این فرض، شیوه کشف قواعد یادشده چگونه است و این قواعد با اصول موجود در دانش مدیریت چگونه پیوند می‌خورند؟

نگارندگان این پژوهش بر این باورند که چگونگی بهره‌برداری از کلام امام در گستره دانش مدیریت، کارآیی و اثربخشی این علم را فزون‌تر می‌کند. از آن سو، گرچه پژوهش‌های فراوانی بر کلام علوی و به‌ویژه نهج‌البلاغه صورت گرفته است، مطالعات تحلیلی و کشف قواعد به‌ویژه در دانش مدیریت نگاهی نو به این عرصه است.

از آنجا که موضوع این پژوهش، کشف قواعد مدیریتی از کلام علوی است، از همین‌رو بعد از ارائه مطالب کلی، روش‌شناسی کشف این قاعده‌ها سامان‌دهی می‌شود؛ اینکه مبنای کشف قاعده مدیریتی از سخنان امام علیه السلام چگونه است و فرایند آن به چه شکل است، مبادی مد نظر در استنباط چیست و آسیب‌های روش‌شناسی کدام است؟

یک. ارتباط روش‌شناسی قاعده و معرفت‌شناسی آن

با شکل‌گیری دانش مدیریت و پیوستن تدریجی دانشمندان مسلمان به خیل دانشمندان مدیریت، علایق اندیشمندان مسلمان به باورهای دینی خود در تلاش برای تطبیق دستاوردهای علمی با باورهای مذهبی جلوه‌گر شد؛ تلاش‌هایی که در بیشتر موارد، گونه‌ای انطباق انفعالی بود؛ با این ادعا که آنچه دانشمندان غرب و شرق گفته‌اند، ابتدا اسلام گفته است. (پورعزت، ۱۳۹۳: ۲۳). این ادعا معمولاً از ضعف روش‌شناسی ریشه می‌گرفت. شاهد این ادعا آن است که در میان این پژوهش‌ها، نظریه علمی مطرحی نمی‌توان یافت که جلوه‌ای از انوار دانش اسلامی را درباره مدیریت بازنمایی کرده باشد. (همان)



روش‌شناسی را به صورت اجمال می‌توان شناخت روش تعریف کرد که از مسائل مهم در فلسفه هر علم و مبتنی بر دیدگاه فکری حاکم بر پژوهش و معرفت‌شناسی آن است. هر معرفت‌شناسی‌ای می‌تواند دیدگاه‌های فکری متعددی را پوشش دهد و بر اساس آن روش‌شناسی‌ها و روش‌های گوناگونی برای پژوهش‌ها بر حسب مسأله پژوهش‌ها پیشنهاد کند؛ به عبارتی، در فرایند تحقیق، روش، همان تکنیک‌های گردآوری به‌شمار می‌آید. روش در خدمت مسأله و اهداف تحقیق بوده و بر روش‌شناسی تحقیق متکی است. روش‌شناسی به‌عنوان استراتژی تحقیق، تجزیه و تحلیل چگونگی انجام تحقیق را عهده‌دار است و سطح نظری و عملی تحقیق را متصل می‌کند و بر اساس آن، محقق، نمی‌تواند از هر روشی برای پاسخ به پرسش یا دستیابی به اهداف تحقیق بهره ببرد. روش‌شناسی تحقیق نیازمند انطباق با سطح بالاتر از خود، تحت عنوان دیدگاه یا پارادایم فکری حاکم بر تحقیق است. در این سطح، پیش‌فرض‌هایی وجود دارند که روش‌شناسی تحقیق بر اساس آنها هویت‌یابی می‌شود. از این رو، بر اساس پارادایم فکری، نوع روش‌شناسی برای انجام تحقیق مشخص می‌شود. پارادایم فکری نیز بر اساس معرفت‌شناسی معینی که ریشه فلسفی پارادایم را تبیین می‌کند، شکل می‌گیرد. (بلیکی، ۱۳۹۳: ۴۵ - ۴۴)

می‌توان این فرایند را به شکل زیر نمایش داد:



پژوهش مورد بحث درباره «کشف قواعد مدیریتی از کلام علوی» است؛ پس روشن است که روش‌شناسی این پژوهش باید مبتنی بر دیدگاه فکری و معرفت‌شناسی محتوای پژوهش باشد که معرفتی مبتنی بر دین اسلام است. منبع اصلی معرفت در اسلام وحی است که در قرآن و سنت تجلی می‌یابد. منبع دیگر نیز عقل است؛ عقل به حسب ذات و جوهر خویش، حجت است و چون از حجیت ذاتی و جوهری برخوردار است، به حجت بودن امور دیگر نیز دست می‌یابد. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۵: ۲۱۴).

بنابراین منابع معرفت‌شناختی در اسلام شامل عقل و وحی هستند، اما مهم، چگونگی استفاده این منابع است که باید با روش‌شناسی معتبری از آنها بهره برد. «استنباط» یا «اجتهاد» روش فهم این

آموزه‌های الهی است. از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

عَلَيْنَا الْفَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۶۲)
بر ماست منتقل کردن [یا ابلاغ] اصول و بر شماست ردّ فرع به اصل.

همچنین امام صادق علیه السلام نقل است که:

إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُؤْتِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تُفْرَعُوا. (همان)
همانا بر ماست که اصول را بر شما منتقل کنیم [ابلاغ کنیم] و بر شماست
که فروع را به اصول بازگردانید.

از این روایات نیز می‌توان فهمید که باید با روش‌شناسی خاصی منابع معرفت را کاوید و به استنباط از آموزه‌های الهی پرداخت. البته از سرمایه‌های دیگری که می‌توان در طول منابع دیگر اجتهاد از آن بهره گرفت، معرفت‌های بشری است. بدون شک شاخه‌هایی از علوم در فهم دین به‌طور عام و در فهم شریعت به‌طور ویژه دخالت دارد. مدیریت نیز از جمله دانش‌هایی است که می‌تواند در فهم بهتر آموزه‌های علوی در مسائل مدیریتی یاری‌رسان باشد.

دو. روش‌شناسی کشف قواعد مدیریتی از کلام علوی

این قضیه در تمام علوم انسانی بسیار اهمیت دارد که بدانیم پدیده‌ای که درباره‌اش بحث می‌کنیم، در اصطلاح، پرسپکتیو آن چیست؟ یعنی پژوهشگر از چه دیدگاهی به موضوع نگاه می‌کند؛ مثلاً از دیدگاه روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی یا مدیریتی؟ (ملکیان، بی‌تا: ۱۸۵). سخنان امام نیز در موارد بسیاری، دربردارنده‌ی نظرگاه‌های متفاوتی همچون مباحث فلسفی، اقتصاد، تربیتی و ... است، از همین رو رویکرد نگارندگان در این مقاله، فقط کشف یافته‌های «مدیریتی» از کلام امام و تبیین آنها از دیدگاه دانش مدیریت است.

مفروض این است که قضایای کلی در کلام امام به ویژه نهج‌البلاغه وجود دارد و چنین نیست که تمام قضایای مطرح شده به‌صورت قضیه مهمله یا موجبه جزئی باشد؛ پس باید بررسی کرد این قضایای کلی در زمینه مدیریت نیز هست یا خیر. برای این کار باید به سراغ دلالت‌ها رفت؛ دلالت‌های لفظی اعم از مطابقی، تضمنی و التزامی. البته باید دلالت روشن باشد و حداقل اگر نص نباشد، ظهور داشته باشد. بدین منظور، باید به اصول لفظی و در مواردی به اصول عقلی مراجعه کرد. اصول لفظی مرتبط با ادبیات عربی و اصول عقلی همان اصول استنباط است.

۱. تفصیل مراحل

یکم، مطالعه دقیق مجموعه متون منتسب به امام علی علیه السلام اعم از نهج البلاغه، غررالحکم و برخی مستدرکات و سپس گزینش عبارت‌هایی که می‌توانند بیانگر قاعده باشند. در این مرحله، نباید در دام واژه‌ها اسیر شد و به واژگانی که عرفاً بیانگر مدیریت هستند، بسنده نمود.

این گام، همان مرحله گردآوری داده‌ها است. داده‌ها سخنان جمع‌آوری شده از امام هستند که قابل ورود به فرایند تحقیق‌اند. بدیهی است پیش‌نیاز این مرحله، آشنایی با دانش مدیریت است. هر میزان این آشنایی فزون‌تر باشد، داده‌های مناسب‌تری را می‌توان به عرصه تحقیق وارد نمود.

گفتنی است عبارت گزینش‌شده، گاه خودش یا محتوایش عام یا مطلق است که حروف: «إِنَّ، كَلِمًا، جَمِيعًا، مَنْ، مَا، كُلُّ و...» راهگشایی در این زمینه هستند. ساختار نحوی عبارت نیز می‌تواند کمک‌کار کشف قاعده باشد؛ مانند نکره در سیاق نفی که مفید عموم است. همچنین گاه فحوای کلام امام بیانگر قاعده است که در این باره عمومیت آن باید اثبات شود.

دوم، نگاهی به عبارت دربرگیرنده قاعده در بستر کلام امام؛ باید برای دریافت قاعده به مقتضیات صدور کلام امام، وضعیت مقام گفتگو و ویژگی مخاطب توجه کرد. این مرحله از آن‌رو صورت می‌گیرد که گاه گفتار و کردار و تقریر معصوم مقطعی و تاریخ‌مند است. هر حدیث از پس نیازی و در پاسخ پرسشی و در مقام تبیین حقیقتی و گاه برای وضعیت ویژه‌ای صادر شده است؛ به‌تعبیر دیگر، شأن نزولی دارد که دانستن آن برای فهم بهتر حدیث سودمند است (مهریزی، ۵ / ۱۱۷).

سوم، معناشناسی واژگانی عبارت‌ها در صورت لزوم با استفاده از منابع لغت، شرح‌ها و بررسی تمام قرائین لازم. در این مرحله، باید نسخه‌های دیگر را نیز مشاهده کرد تا خلاف عبارت بیان شده مطلبی گفته نشده باشد.

چهارم، بیان کاربرد قاعده در دانش مدیریت؛ در این مرحله با توجه به آشنایی پیشین با دانش مدیریت باید مفهوم کلیدی و پیام اصلی سخن را با توجه به قرینه‌های لفظی کلام و نیز مقتضیات صدور آن، برون کشید و با ژرف‌نگری دریافت که رهنمود امام در علم مدیریت چه کاربردی می‌تواند داشته باشد.

پنجم، ارائه مستندات و پشتوانه‌های قرآنی با استفاده از تفاسیر؛ در این مرحله، باید آیاتی را که پشتوانه قاعده هستند یافته شود و با بهره گرفتن از قواعد تفسیر همچون فهم مفردات و شأن نزول به مفاد آیات دست پیدا کرد و آنگاه دلالت آیات بر قاعده مورد پژوهش را آشکار ساخت. دلالت‌ها در این زمینه می‌تواند مطابقی، تضمنی و التزامی باشد.



ششم، ارائه مستندات روایی با بهره‌گیری از خانواده‌های حدیثی؛ در این گام، روایت یا روایاتی که می‌توانند پشتوانه‌ای برای قاعده مد نظر باشند جمع‌آوری و آنگاه به‌طور منطقی و منسجم مرتب می‌شود، می‌دانیم همان‌طور که روایات معصومان علیهم‌السلام گاه در بردارنده بخش‌های متفاوت و مفاهیم متعدد هستند، از همین رو در این گام، ناگزیر برای اثبات قاعده‌ها به همان بخش از روایت که شاهد و دلیل بر قاعده است اکتفا می‌شود؛ به عبارتی، تا حد امکان به مفاد مطابقی آنها توجه شده است. اگر هم روایتی پیدا شود که در تعارض با قاعده مد نظر باشد، باید حل شود. ممکن است برای قاعده استثناء‌هایی یافت شود. همچنین باید بین آیات و روایات هماهنگی کاملی برقرار باشد.

هفتم، بهره‌گیری از دلایل عقلی؛ جدا از پشتوانه‌های کتاب و سنت، اهتمام بر آن شده که قاعده با دلایل و شواهد عقلی تأیید فزون‌تری یابد. در این راستا، استفاده از گزاره‌های یقینی شش‌گانه که مقدمه برهان هستند، می‌تواند یاری‌رسان باشد.

هشتم، بهره‌گیری از دانش مدیریت به‌عنوان معرفت بشری؛ اگرچه تأثیرگذاری دستاوردهای علمی بشر بر فهم گزاره‌های نقلی، همیشگی و ضروری نیست، نمی‌توان تأثیرگذاری برخی از داده‌های علوم بشری در فهم پژوهشگر از برخی گزاره‌های نقلی را انکار کرد؛ زیرا بعضی از یافته‌های علمی، موجب اصلاح فهم یا فهم ژرف‌تر ما از برخی گزاره‌های نقلی می‌شوند (مسعودی: ۲۰۲) برخی مفسران نیز بر این باورند که براهین قطعی علمی و شواهد اطمینان‌بخش تجربی می‌تواند منبعی برای تفسیر کلام وحی و روایات متقن قرار گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۵۸؛ انصاری، ۱۳۹۱: ۱۰). نکته مهم آنکه استفاده از دانش مدیریت فقط باید برای ایضاح فزون‌تر قاعده و دریافت ژرف‌تر کلام امام صورت بگیرد و نه برای اثبات آن، تا توهم التقاط به وجود نیاید.

۲. توجه به آسیب‌های روش‌شناسی

هر روش‌شناسی برای اینکه بتواند از اعتبار فزون‌تری برخوردار باشد، باید آسیب‌های احتمالی خود را بشناسد و آن را برطرف کند. از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در روش‌شناسی کشف قواعد مدیریتی وجود دارد و می‌تواند از اعتبار روش بکاهد، مصادیق زیر است:

الف) التقاط

التقاط را می‌توان چیزی را از موضعی برداشتن یا از جایی گرفتن، معنا کرد (دهخدا، ۱۳۳۹، ذیل واژه «التقاط»؛ از همین رو باید دقت کرد که در روش‌شناسی پژوهش التقاطی پیش نیاید؛ یعنی مراقب بود که سخن امام را بر مبنای نظریه‌های دانش مدیریت تعبیر نکرد و چنین تلقی نشود که امیرمؤمنان علیه‌السلام همان را گفته است که صاحب‌نظران مدیریت گفته‌اند. کلام علوی مبتنی بر معرفتی



الهی است که فراتر از نظریه‌های دانش مدیریتی است. در همین راستا، نگارندگان کوشیده‌اند از دانش مدیریت به‌عنوان منبعی مستقل استفاده نکنند تا شبهه التقاط یا پیش‌داوری پیش آید و گفته شود چگونه مباحث نامطمئن علمی مبنای اثبات قاعده قرار داده شده است.

ب) برخورد گزینشی با کلام امام

چنان‌که از نام نهج‌البلاغه پیدا است و سید رضی خود در مقدمه کتاب بدان تصریح کرده است، انتخاب او، سخنان بلیغ امام بوده است. چنین رویکردی، به تقطیع خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها منتهی شد و در سخنان امام گزینشی صورت گرفت. بنابراین باید مراقب بود که قواعد برگزیده از متن رهنمودها به‌گونه‌ای نباشد که نیازمند مراجعه به متون حذفی باشد؛ به عبارتی نباید کلام امام در انتخاب قاعده ناقص باشد، از این رو، در پژوهش حاضر تمام نسخه‌های نهج‌البلاغه برای استحکام متن قاعده دیده شده است.

ج) مشکلات پژوهش‌های میان رشته

تفاوت‌های معرفت‌شناختی در انواع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای سبب تفاوت در روش‌های خاص پژوهشی و سایر مفروضات اساسی می‌شود. هریک از رشته‌های علمی زبان و اصطلاحات و روش‌های پژوهش خاص خود را دارد و این تفاوت‌ها می‌توانند بدفهمی‌هایی را به‌دنبال آورند و البته ارائه نتایج این دسته از پژوهش‌های نیز مشکل است. در این‌گونه جستارها باید دقت کرد اصطلاحات تخصصی به‌درستی منتقل شوند.

در ادامه، قاعده‌ای مدیریتی که برگرفته شده از کلام امیر مؤمنان علیه السلام است بر مبنای روش‌شناسی گفته‌شده تبیین می‌شود.

سه. قاعده دوری از پراکنده‌کاری

مَنْ أَوْمَأَ إِلَيَّ مُتَّفَاوِتٍ حَدَلْتُهُ الْحَيْلُ (حکمت ۴۰۳).

کسی که به کارهای گوناگون می‌پردازد، چاره‌سازی‌هایش کارسازش نتواند بود.

در این بخش، برای نمونه، قاعده‌ای بر مبنای روش‌شناسی گفته‌شده تبیین می‌شود، به‌منظور استخراج این قاعده مدیریتی مراحل زیر پیموده می‌شود:

نگاهی گذرا به بستر کلام، معانی واژگان عبارت و کاربرد آن در دانش مدیریت، پشتوانه‌های قرآنی قاعده، پشتوانه‌های روایی قاعده، دلالت عقلی و ساختار منطقی کلام، بهره‌گیری از دانش مدیریت.



۱. نگاهی گذرا به بستر کلام

این سخن از حکمت‌های نهج‌البلاغه است. برخی از شارحان نهج‌البلاغه این کلام را مربوط به جمع دنیا و آخرت گرفته و گفته‌اند: کسانی که بخواهند هم دنیا و هم آخرت را به‌طور کامل به‌دست آورند ناکام می‌مانند؛ زیرا این دو با هم جمع نمی‌شوند. (خویی، ۱۳۵۸: ۴۸۵) برخی نیز آن را به‌معنای جمع میان حق و باطل تفسیر کرده‌اند؛ بدین معنا که اگر کسی بخواهد از حق طرفداری کند و در عین حال، حامی باطل باشد یا به‌تعبیر دیگر بخواهد همه را از خود راضی کند؛ تدبیرهایش به‌جایی نمی‌رسد. (سرخسی، ۱۳۷۳: ۳۱۲) همچنین برخی گفته‌اند امام به کسانی اشاره می‌کند که ریسمان طمع خویش را به امری فانی و هدفی واهی گره می‌زنند. این گروه به‌طور مسلم، هرچه تلاش کنند و هرچه چاره‌جویی نمایند، باز به هدف نخواهند رسید. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۵)

این تفسیرها را می‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق آن مفهوم کلی و جامع کلام امام علیه‌السلام پذیرفت، اما منحصر ساختن مفهوم کلام به این تفاسیر، صحیح به‌نظر نمی‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۸۵ - ۲۸۴) به نوشته مؤلف مصادر نهج‌البلاغه این گفتار حکمت‌آمیز را پیش از سید رضی ابن شعبه حرانی در تحف العقول در ضمن وصیتی که امام علیه‌السلام به مالک اشتر فرمود، آورده است، اما با این تفاوت: «مَنْ أَوْمَأَ إِلَيَّ مُتَّفَاوِتَ حَدَلْتُهُ الرَّغْبَةَ» (حسینی، ۱۳۷۶: ۲۸۷). البته در نسخه‌ای که از تحف العقول نزد ماست، چنین آمده است: «مَنْ أَهْوَى إِلَيَّ مُتَّفَاوِتَ حَدَلْتُهُ الرَّغْبَةَ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۲)

۲. معانی واژگان عبارت و کاربرد آن در دانش مدیریت

فعل «أَوْمَأَ» از ریشه «وَمَأَ» در اصل به‌معنای اشاره کردن با یکی از اعضای بدن مانند دست یا سر یا چشم است. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۸۱). گویا منظور امام از اشاره به امور متفاوت، تمایل و رغبت و پرداختن به آن امور است؛ همان‌طور که در تحف العقول، به‌جای «أَوْمَأَ» فعل «أَهْوَى» به‌معنای خواستن و میل کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۹) آمده است.

واژه «مُتَّفَاوِتَ» از ریشه «فَوَّتَ» و فعل «تَفَاوَتَ» مشتق شده و به‌معنای دوری و اختلاف میان امور و اشیاء است؛ (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۶۰) البته نوعی از گوناگونی در اینجا مد نظر است که در آن، میان امور و اشیاء، تباین و تناقض وجود داشته باشد (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۸۲). بنابراین تفسیر این قاعده به نادرست بودن پذیرش کارهای زیاد که ممکن است با هم ناهماهنگ نباشند نیست؛ زیرا مفهوم متفاوت، ناهماهنگ یا متضاد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

فعل «حَدَلْتُهُ» از ماده «حَدَلان» و از ریشه «حَدَلَ» مشتق شده که به‌معنای ترک کردن یک چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۸: ۱۶۵). بر این اساس، «حَدَلان» در لغت به‌معنای ترک یاری رساندن به

دیگری است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۴۴). کلمه «حیل» جمع «حیله» و به معنای چاره‌اندیشی است. (عسکری، ۱۴۱۲: ۲۵۱). این واژه در فارسی معنایی منفی دارد، اما در عربی این گونه نیست و «حیله» از مفهومی عام برخوردار است؛ بدین معنا که هم برای دسیسه و فریب‌کاری به کار می‌رود و هم برای تدبیر و تفکر حکیمانه‌ای که پیش از انجام امور صورت می‌گیرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۲۶۷).

واژه «الرَّغْبَه» نیز به معنای میل و خواستن است (ابن درید، ۱۹۸۷: ۳۲۰). بنابراین مفهوم کلام امام این خواهد شد که اگر کسی به کارهای ناهماهنگ و نامتناسب بپردازد، بداند که تدبیرش کارساز نخواهد بود و به مقصود خویش نمی‌رسد.

اگر به این قاعده از دیدگاه مدیریتی نگاهی بیفکنیم، دربردارنده این مفهوم است که هر مدیر برای رسیدن به موفقیت باید از پراکنده‌کاری و پرداختن به امور ناهم‌ساز بپرهیزد و تمرکز خود را به فعالیت‌های مرتبط و هماهنگ اختصاص دهد.

۳. پشتوانه‌های قرآنی قاعده

قرآن کریم رهنمودهایی دارد که می‌توان مضمون آنها را در راستای تحکیم قاعده به حساب آورد. برای پشتوانه قرآنی این قاعده به سه آیه تمسک می‌جوییم:

الف) آیه ۲۹ سوره زمر

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا لِّلَّذِي
بَلَ أَكْزَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است: مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیت] او شریک‌اند و مردی که فقط برده یک مالک است، آیا این دو برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن با هم یکسانند؟ [موحدان که بنده خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم و پاک و آخرتی آبادند، و مشرکان که فرمان بران اربابان گوناگونند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب‌اند.] همه ستایش‌ها ویژه خدا است، بلکه بیشترشان [به آثار و منافع بندگی خدا] معرفت و آگاهی ندارند.

واژه «مُتَشَاكِسُونَ» از ریشه «شَكِسَ» و به معنای بدخلق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۲). حضرت حق در این آیه، در قالب یک مثال، حال برده‌ای را بیان می‌فرماید که در مالکیت و تصرف چند ارباب بدخو و تندمزاج قرار دارد و هریک او را به کاری فرمان می‌دهند: یکی می‌گوید فلان برنامه را انجام بده و دیگری او را از آن نهی می‌کند. او در این میان، سرگردان است و در برابر این





دستورهای ضد و نقیض متحیر مانده و بینوا نمی‌داند که خود را با نوای کدام یک هماهنگ سازد. از آن سو، فرمان‌بری را مثال می‌زند که تنها تسلیم یک نفر است. مشی و برنامه او مشخص و صاحب‌اختیار او معلوم است، نه گرفتار تردید است و نه سرگردانی، نه تضاد و نه تناقض؛ با اطمینان خاطر گام برمی‌دارد و تحت سرپرستی کسی قرار دارد که در همه چیز و در همه حال و همه جا از او حمایت می‌کند. حال، آیا این دو نفر یکسان‌اند؟ شرح حال مشرک و موحد این‌گونه است؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

مشرکان در میان انواع تضادها و تناقض‌ها غوطه‌ورند و هر روز دل به معبودی می‌بندند، نه آرامشی دارند و نه اطمینانی و نه خط روشنی. اما در مقابل، موحدان فقط فرمان‌بردار یکی هستند، تنها کمر خدمت به بارگاه احدیت بسته‌اند و تنها به امید او نشست‌اند، نه فرمان دیگر را گردن می‌گذارند و نه به کسی جز فرمانروای خویش امید می‌بندند.

روشن است که فردی با این وصف به ثمره فرمان‌برداری و اخلاص خویش می‌رسد و امید او به ناامیدی نمی‌گراید؛ چرا که هم برنامه و وظیفه او معلوم است و هم در صورت انجام تکلیف شایسته از سوی آن فرمانروای توانا حمایت و پشتیبانی می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۷۵).

(ب) آیه ۳۹ سوره یوسف

أَأَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرًا أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ .

آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر؟

این آیه خطاب حضرت یوسف علیه السلام به دو جوان زندانی است که یکی از آنان مشرک و دیگری موحد بود. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۰). در این جمله این سؤال مطرح می‌شود که به‌راستی آیا خدایان پراکنده‌ای که از سنگ و چوب تراشیده‌اید و توان هیچ سود و زبانی برای شما ندارند، برای پرستش بهترند یا خدای یکتا و پرافتداری که هر سود و زبانی در کف قدرت اوست؟ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۸).

این آیه به این نکته اساسی هم توجه می‌دهد که اساساً هدف‌های پراکنده و اشتغال‌های مختلف و ناهماهنگ، سرچشمه تفرقه و پراکندگی است و این رویه، مانع رشد فرد و جامعه می‌شود و عامل ناکامی و شکست خواهد بود؛ زیرا سرمایه فکری و قوای عملی را پراکنده می‌سازد.

(ج) آیه ۴ سوره احزاب

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ .

خدا برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.

این جمله کنایه است از اینکه ممکن نیست کسی بین دو اعتقاد متنافی و دو رأی متناقض جمع کند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۷۴). به تعبیر عارفان انسان یک قلب بیشتر ندارد و این قلب جز عشق یک معبود در آن نمی‌گنجد. آنها که دعوت به شرک و معبودهای متعدد می‌کنند، باید قلب‌های متعددی داشته باشند تا هریک را کانون عشق معبودی سازند (قشیری، ۱۹۸۱: ۱۸۰). اصولاً انسان سالم خط فکری واحدی دارد؛ (طوسی، بی‌تا: ۳۱۴). در تنهایی و اجتماع، در ظاهر و باطن، در درون و برون، در فکر و عمل، همه باید یکی باشد. هر گونه نفاق و دوگانگی در وجود انسان امری تحمیلی و بر خلاف اقتضای طبیعت اوست.

گرچه این آیات ناظر به پراکندگی در مقام باور هستند و قاعده مورد بحث به نفی پراکنده‌کاری در مقام رفتار اشاره دارد، اما خاستگاه پراکنده‌کاری، پراکنده‌نگری است. همین پراکنده‌نگری در مقام عقیده و به عبارتی شرک نظری است که منجر به پرستش غیر خدا و شرک عملی می‌شود. بنابراین آیات ارائه شده گرچه بر قاعده دلالتی التزامی دارند، به این قضیه نیز اشاره دارند که خاستگاه پراکنده‌کاری ذهن آشفته است و انسان اگر می‌خواهد از این مشکل برهد، باید دیدگاه‌ها و باورهای خود را اصلاح کند.

۴. پشتوانه‌های روایی قاعده

در میان رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام نیز می‌توان آموزه‌هایی را یافت که ما را در رسیدن به قاعده مورد نظر یاری می‌رسانند.

در حدیثی قدسی خدای متعال به رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «يَا أَحْمَدُ اجْعَلْ هَمَّكَ هَمًّا وَاحِدًا (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۰۵)؛ ای پیامبر، همتت را در اهمتامی خاص قرار بده». خدای سبحان به پیامبر خویش که الگوی بشر است می‌فرماید نیرو و تمرکزت را در یک وادی مستقیم به کار بند. اگر انسان در هر میدانی وارد گردد، این تشتت و تفرقه او را تضعیف می‌کند و از هدف می‌ماند. امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

وَاقْصُرْ رَأْيَكَ عَلَيَّ مَا يَغْنِيكَ. (نامه ۶۹)

و تنها در چیزی بیندیش که تو را باید و به کارت آید.

کلمه «قصر» دو معنا دارد: شکستن و بریدن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۰۱) و نیز حصر کردن و حبس کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۸) که با توجه به سیاق کلام، مراد امام معنای دوم است. امام می‌فرماید: اندیشه و فکرت را در مسیری حبس کن که تو را به کار آید.





این رهنمود امام ناظر به دو معنا است: (انصاری، ۱۳۸۸: ۲۸۹ - ۲۸۶) نخست آنکه انسان باید هدف خود را در زندگی مشخص کند و سپس محکم و قاطعانه اندیشه‌اش را بر آن متمرکز کند و در همان مسیر بکوشد. دوم، هدف باید در مسیری باشد که به کار انسان آید؛ یعنی آدمی باید همتش را در جایی بذل کند که نتیجه‌بخش باشد؛ هم او را به هدف نزدیک کند و هم از کارهایی که به او مربوط نمی‌شود، دور کند.

۵. دلالت عقلی و ساختار منطقی کلام

چنان که مشخص است سخن امام در این حکمت، به لحاظ منطقی در قالب یک قضیهٔ موجبهٔ کلیه است. حرف «ما» موصول عامی است که فراگیر است و می‌تواند دربارهٔ تمام زمان‌ها و مکان‌ها صدق کند. برای دلایل عقلی این قاعده، گزاره‌های بدیهی زیر را می‌توان مطرح کرد.

الف) هر کاری آغاز و انجامی دارد که باید در ظرف زمانی خود انجام شود.

ب) کارها و مشاغل متنوع و گوناگون هستند؛ کاری در یک زمینه است و کاری در زمینهٔ دیگر.

ج) هر کاری دانش و مهارت مخصوص خود را دارا است.

د) انسان اسیر زمان است و توانایی‌های محدودی دارد.

نتیجهٔ گزاره‌های بالا این است که انسان نمی‌تواند بر چندین شغل ناهماهنگ تسلط داشته باشد. ممکن است فردی در شاخه‌های مختلف یک علم یا علوم مرتبط با یکدیگر مسلط شود، همچنین ممکن است او در علوم ناهماهنگ، تسلطی نسبی به دست آورد، اما اینکه بتواند بر همهٔ آنها تسلط کامل یابد، ناممکن است.

در روانشناسی از پدیده‌ای به نام «اثر زایگارنیک»^۱ سخن به میان می‌آید که توضیح آن چنین است: «ذهن انسان عادت دارد که هر مسأله‌ای برایش روشن باشد. هنگامی که به مسأله‌ای مبهم یا حل نشده برخورد می‌کند، تا زمانی که به پاسخ قانع‌کننده‌ای نرسد، به دنبال آن می‌گردد که این مسأله، انرژی بسیاری از او می‌گیرد؛ به عبارتی، مغز انسان تکالیف ناقص و گنگ را در مقایسه با تکالیف کامل و شفاف، به مدت طولانی‌تری به خاطر می‌سپارد؛ چرا که تلاش می‌کند با فکر کردن به آنها رفع ابهام کند و به رضایت درونی برسد. این پدیده که یادگیرندگان تکالیف ناقص را بهتر از تکالیف کامل به یاد می‌آورند، «اثر زایگارنیک» نام گرفته است.»^۲

1. zeigarnik effect

2. Reeve, J. and S.G. Cole, "The Zeigarnik Effect and Intrinsic Motivation: Are They the Same?". Motivation and Emotion.

حال، هرچه به هم‌ریختگی و کارهای ناتمام بیشتر باشد، تمرکز کمتر خواهد بود. به همین دلیل، باید تلاش کرد که کارهای ناتمام اولویت‌بندی شوند تا به تدریج ذهن از آنها خالی گردد.

۶. بهره‌گیری از دانش مدیریت

رهنمود امام به لحاظ مدیریتی می‌تواند دربردارنده دو نکته باشد:

یکم، دوری از پراکنده‌کاری؛ مدیر باید از پراکنده‌نگری و پراکنده‌کاری بپرهیزد و ذهنش را بر کارهایی متمرکز کند که با یکدیگر هم‌سو هستند؛ دوم، تخصص‌گرایی؛ از آنجایی که امکان ورود در چندین کار به‌طور هم‌زمان نیست، مدیران باید در یک یا دو سه حوزه خاص تخصص داشته باشند.

الف) دوری از پراکنده‌کاری

داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندان و معنادار است. هدف، شرایطی مورد علاقه در آینده است که سازمان تلاش می‌کند به آن دست یابد. در اصل، وجود سازمان برای هدفی است و اهداف کلی، موقعیت و شکل اهداف جزئی را تعریف می‌کنند. داشتن هدف موجب تمرکز بیشتر در فرد و در انجام وظایفش می‌شود و به همین دلیل، مدیر استراتژی یا راهبردی مناسب را انتخاب می‌کند (میرکمالی، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

البته هدفمند زیستن، به آگاهی و برنامه‌ریزی نیاز دارد (فریور، ۱۳۸۶: ۵۸)؛ اما گاه اهداف، بسیارند و حتی اهداف اصلی متعدد و گوناگون‌اند. این در حالی است که اگر اهداف، آن‌قدر زیاد باشند که نتوان به آنها توجه کافی داشت، برنامه‌ریزی غیر مؤثر خواهد بود (Koontz & weihrich, 2010, 76-77).

هدف‌های پراکنده و مبهم باعث می‌شود که شخص نداند چه می‌خواهد و چه مسیری را می‌خواهد انتخاب کند؛ در نتیجه، یا نمی‌تواند کاری را آغاز کند یا نیمه تمام رها می‌کند و به کار دیگری می‌پردازد (فریور، ۱۳۸۶: ۲۶). برنامه‌ریزی استراتژیک، در رویکرد جدید خود، با توجه به پایه‌های اقتصادی و استفاده از منابع کمیاب، بر اهداف محدود تمرکز نموده است (Akhbari, 2012, 425).

صاحب‌نظران بر این باورند از آنجایی که رسیدن به همه اهداف و آرزوها ممکن نیست، باید هدفی را که ارزشمندتر است برگزید؛ یعنی در مواقعی که مدیر با هدف‌های متعددی روبه‌رو است، باید آنها را اولویت‌بندی کند (الوانی، ۱۳۹۱: ۶۸). به همین منظور، کسی که دنبال موفقیت در کارها است، باید نخست هدف خود را مشخص کند و آنگاه با تمام توان برای رسیدن به آن بکوشد و از پرداختن به امور متفاوت بپرهیزد؛ چرا که موفقیت انسان در محدوده کارهایی است که اندیشه‌اش را در همان زمینه به کار می‌گیرد.



ب) تخصص‌گرایی

نکته دیگری که از این قاعده در مراتب بعدی می‌توان برداشت کرد، تخصص‌گرایی است؛ زیرا لازمه اجتناب از پراکنده‌کاری روی آوردن به تخصص است. تخصص‌گرایی به گروه‌بندی دقیق وظایفی اشاره دارد که به وسیله فرد انجام می‌شود. (Robbins, 1983). هدف‌ها زمینه‌های تخصصی کردن نقش‌ها را فراهم می‌سازند (میرکمالی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

با تخصصی شدن کارها، زمینه برای موفقیت و شکوفایی بیشتر افراد و جامعه فراهم می‌شود و تخصص ناشی از تقسیم کار به افراد اجازه می‌دهد تا تجربه بیشتری بیاندوزند و به بهره‌وری بیشتری نایل شوند (رحمان سرشت، ۱۳۸۶: ۶۳). در صورتی که اگر افراد به کارهای گوناگون بپردازند، نه تنها موفقیتی کسب نمی‌کنند، بلکه ضمن اتلاف منابع و امکانات و نیز هدر دادن وقت، از کارایی لازم نیز برخوردار نخواهند بود. بر همین اساس، در هر کشوری رئیس دولت، وزیرهایی تعیین می‌کند تا هریک به کار تخصصی خود بپردازد و خود نیز ناظر آنان باشد.

نتیجه

با بررسی کلام علوی می‌توان به این نتیجه دست یافت که سخنان امام در نهج‌البلاغه و سایر متون می‌تواند دربرگیرنده قواعد مدیریتی باشد؛ قواعدی که گرچه برخاسته از ارزش‌های اسلامی است، اغلب مخصوص جامعه مسلمانان نیست. هر کس با هر دین و مسلکی می‌تواند این قواعد را به کار گیرد و راهگشای او در کار و مدیریتش باشد.

با ارائه روش‌شناسی کشف قواعد مدیریتی و بررسی نظام‌مند کلام امام به قواعدی منسجم و الگوپذیر دست می‌یابیم که می‌تواند ما را در مسیر گذار از ساختار ظاهری کلام امام به ژرفای آن نزدیک‌تر کند و نتیجه‌ای قانع‌کننده پدید آورد. رویکرد تحلیلی در این راستا در گام نخست، واکاوی لغات و آنگاه جستجو برای یافتن پشتوانه‌های قرآنی با انواع دلالت‌ها است و سپس، یافتن پشتوانه‌های روایی و یاری جستن از دلالت عقلی. گام دیگر را نیز با پیوند مسائل مدیریتی هم‌داستان با قواعد مزبور به فرجام رساندیم تا قواعد به‌دست آمده ایضاً فزون‌تری یابد و با سخنی آشکارتری جلوه کند؛ به عبارتی توجه به دانش مدیریت در کنار رهنمودهای امام علیه السلام می‌تواند مدلول‌های التزامی جدیدی را از کلام امام استخراج کند و ژرفای بیشتری از سخن امام را نشان دهد.

در عبارتی که به‌عنوان قاعده برگزیده شده است، امام می‌فرماید: «هر کس به کارهای متفاوت بپردازد، تدبیرش بی‌ثمر می‌ماند». پراکندگی کارها پریشانی به‌همراه می‌آورد و موجب می‌شود مدیر

تمرکزش را از دست بدهد. اگر مدیری بخواهد تمام کارها را به تنهایی انجام دهد، کارها به نحو بهینه به اتمام نمی‌رسند. پس برای برنامه‌ریزی بهتر، باید کارها را اولویت‌بندی کرد. با این شیوه، نه تنها می‌توان امور را سامان داد، بلکه می‌توان از تخصص خود بهره‌ای کافی برد و با تمرکز بر کارهای اصلی، تخصص را ارتقا دهد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، پرسش از هستی یا هستی پرسش، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۹۵.
- ابن ابی الحدید عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد زاوی و محمود حمد طناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
- ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- احسانی، محمد بن علی بن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه، قم، دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- الوانی، مهدی، ۱۳۹۱ ش، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، چاپ ۳۱، ۱۳۸۶.
- انصاری، محمد علی، مشکاة (تفسیر قرآن کریم)، مشهد، بیان هدایت نور، ۱۳۹۱.
- _____، فروغ حکمت، مشهد، بیان هدایت نور، ۱۳۸۸.
- بلیکی، نورمن، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه: سید رضا حسینی و همکاران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- پورعزت، علی اصغر، مدیریت ما، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۳ ش.
- ترسی، برایان، اراده و موفقیت؛ رهبری در عرصه بازار و تجارت، ترجمه فرزانه رئوف، آذربایجان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.





- جوادى آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۱.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی خطیب، سید عبد الزهراء، مصادر نهج البلاغه و اسانیده، بیروت، دار الزهراء، ۱۳۷۶.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
- خسروپناه، عبدالحسین، روش‌شناسی علوم اجتماعی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۹۴.
- خوانساری، محمد، منطق صوری، تهران، آگاه، چاپ سی و هفتم، ۱۳۸۷.
- خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الإسلامیه، ۱۳۵۸.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت، دار العلم و دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- رحمان سرشت، حسن، تئوری‌های سازمان و مدیریت: از تجددگرایی تا پسا تجددگرایی، تهران، دوران، ۱۳۸۶.
- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
- سرخسی، علی بن ناصر، أعلام نهج البلاغه، تهران، عطارد، ۱۳۷۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر المیزان، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- فریور، میرعمادالدین، معجزه هدف گذاری در کامیابی، تهران، فریور، ۱۳۸۶.
- فنائی، ابوالقاسم، «مبانی اجتهاد (تأثیر معرفت بشری در معرفت دینی)»، مجله نقد و نظر، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۴.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ ق.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات، مصر، الهيئة المصرية العامه للكتاب، ۱۹۸۱ م.



- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- کارگروه بنیادین رشته مدیریت، نجما (نقشه جامع مدیریت اسلامی)، بی جا، بی تا، ویرایش چهارم، ۱۳۹۵.
- ملکیان، مصطفی، بی تا الف، رویکرد وجودی (اگزیزستانسیالیستی) به نهج البلاغه، تهران، بی تا.
- _____، بی تا ب، مبانی معرفت شناسی و روش شناسی در علوم انسانی، تهران، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- میرکمالی، محمد، فلسفه مدیریت، تهران، یسپرون، ۱۳۹۲.
- Akhbari, M. (2012). The Process of Strategic Urban Planning: a Case of Iran. International Journal of Bio-Resource & Stress Management, 3(3), 424-426.
- Conlon, K. E., Ehrlinger, J., Eibach, R. P., Crescioni, A. W., Alquist, J. L., Gerend, M. A., & Dutton, G. R. (2011). Eyes on the prize: The longitudinal benefits of goal focus on progress toward a weight loss goal. Journal of experimental social psychology, 47(4), 853-855.
- Information Resources Management Association. (2013). Enterprise resource planning: concepts, methodologies, tools, and applications. IGI Global.
- Koch, R. (2011). The 80 / 20 principle: the secret to achieving more with less: Crown Business.
- Koontz, H. and H. wehrich (2010). Essentials of management: An International Perspective, 8 / e, Tata McGraw-Hill Education.
- Robbins, S. P. (1983). Organization Theory: Structures, Designs, And Applications, 3 / e: Pearson Education India.
- Rouillard, L. (2003). Goals and Goal Setting: Achieveing Measured Objectives: Cengage Learning.
- Schleh, E. C. (1961). Management by results, McGraw-Hill. P. 22.
- Stoner, J., Freeman, R. E., & Gilbert Jr, D. R. (1995). Management (6th edn): Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Tracy, B. (2004). Focal point: a proven system to simplify your life, double your productivity, and achieve all your goals: AMACOM Div American Mgmt Assn, p.p. 7-15
- Van Tongeren, G. (2015). Exploring Self-Gifting Behaviour in Individuals . Setting Physical Goals, University of Canterbury.
- Finding management rules from Imam Ali's speech with an example.

